

# اقتصاد سرمایه‌داری

## میخواهد



و

## طعمه مطلوب آن نیست

ملت بعد از پیروزی در این انقلاب بر سر دوراهی عجیبی قرار گرفته است از یکطرف با گروهی روبروست که جهان را به دویلوک سرمایه‌داری و سوسیالیزم تقسیم کرده و منتظر است ببیند این جنبش اسلامی به کجایی انجامد . این گروه راهی بنیادین نمی‌بیند و از آنجا که نمیتواند اقتصاد سرمایه‌داری را بپذیرد به این دلیل معتقد است جنبش اسلامی ماراھی جز راه دیگر ندارد . از طرف دیگر وضع اقتصادی کشور ما به صورتی در آمده است که اگر بزودی راه حلی پیدا نکنیم جنبش مواجه باخطر می‌شود . بهمین دلیل با تعیین سرنوشت بانکها ، مشخص ساختن مالکیت صنعتی و معلوم ساختن مالکیت ارضی ایران ، دولت در صدد است هرچه زودتر حیات کلی جمهوری اسلامی را مشخص سازد . با وجود پیچیدگیهایی که جنبش اسلامی ما دارد باید اعتراف کنیم که این جنبش در بسیاری از جهات با سایر جنبشهای آزادیبخش مشترک است ، این سنت الهی است که جنبشهای آزادیبخش بیایند «من تجده بسنت الهه تبدیلا» این سنت الهی قابل تبدیل نیست و بسیاری از آنها معانی مشترک با یکدیگر دارند ، بنابراین آنچه ما در باره سایر جنبشهای آزادیخواهانه به برخورد آبهاننا اقتصاد سرمایه‌داری می‌شناسیم عیناً دربارهٔ چنین ایران با برخورد با این اقتصاد مصداق دارد . در عین حال باید بگویم آنچه من در اینجا می‌گویم نه بعنوان وزیر بازرگانی ، نه بعنوان تعیین کننده سیاست اقتصادی دولت ، بلکه بعنوان یک سخنران آزاد که باشما تبادل نظر میکند خواهد بود ، بنابراین باآنکه ممکن است طرز تفکر من در بوجود آوردن سیاست بازرگانی دولت مؤثر باشد ولی آنچه در اینجا گفته میشود بهیچ وجه جنبه رسمی ندارد دلیل این امر در اینست که من سعی دارم آزادانه نظرات شمارا بشنوم و در اینمورد سعی کنیم به اندوخته‌های دانش یکدیگر اضافه کنیم .

چه بسا افرادی هنوز دچار این ساده بینی هستند که معتقدند اقتصاد سرمایه‌داری و پیسترو این اقتصاد یعنی آمریکا به جنبش ما مستقیم یا غیر مستقیم کمک کرد . چه بسا افرادی با ساده بینی مخصوص میگویند که اگر اقتصاد سرمایه‌داری آمریکا دست خود را از پشت شاه برنمیداشت شاه نمی‌افتاد . چه بسا گروهها که هنوز هم کلیه حوادث ایران و این انقلاب اعجاب‌انگیز و بی‌سابقه تاریخ را به پشتیبانی دست اقتصاد سرمایه‌داری میداند ، دلیل انتخاب این موضوع بیشتر به این جهت بود که نشان دهیم اقتصاد سرمایه‌داری با برخورد با جنبشهای آزادیخواهانه تنها مسیره‌های مشخصی را میتواند انتخاب کند و بهیچوجه نمیتواند با جنبشی چون جنبش ایران همکاری داشته باشند .

« سود » ، هدف اصلی جامعه سرمایه‌داری

برای فهمیدن و درک کردن اقتصاد سرمایه‌داری ، شاید بهترین راه این باشد که انسان در جوامع سرمایه‌داری زندگی کند و در عین حال خود را منتزع از آن جوامع بداند تا بتواند لمس کند که در آنجا چه میگردد . اگر ما خواسته باشیم اقتصاد

مردم باید مصرف کننده خوبی باشند، به همین دلیل باید مثل هم فکر کنند. باید سلیقه یهودی نیویورکی با سلیقه مسلمان یزدی هر دو یکرنگ و در یک سطح قرار بگیرد تا هر دو بتوانند آنچه در فلان کارخانه تولید میشود مصرف کنند

برای بالا بردن سود، برای ادامه سودجویی راهی نیست جز اینکه دوطرف معامله به پلديگر اطمینان داشته باشند، من بهیچ وجه در صدد آن نیستم که بگویم آنچه که اتفاق می افتد کاربرد نیست، رعایت اسانت، وفا کردن به عهدها بطور قطع کار خوبی است ولی من در صددم که انگیزه این کار را در اقتصاد سرمایه داری بگویم. اقتصاد سرمایه داری بیش از هر چیز، به نظم و آراشی نیازمند است و در محیطی است که تعهدها رعایت نشود، در محیطی که به پیمانها اهمیت داده نشود بهیچوجه نظم حکمفرما نخواهد بود، با قبول این اصل که پایه اقتصاد سرمایه داری و محور اصلی این اقتصاد سود است، بینیم اقتصاد سرمایه داری چگونه عمل میکند، دایه فعالیت های اقتصاد سرمایه داری را در دو جهت مورد مطالعه قرار میدهم.

۱. در جهت تولید: تولید باید بالا برود بدین دلیل که هرچه تولید بیشتر شد میتوان مصرف را بالا برد و هرچه مصرف بالا رفت، فروش بالا می رود و هر چه فروش بیشتر شود نتیجتاً «سود» زیادتر خواهد شد.

برای بالا بردن تولید، اقتصاد سرمایه داری نیازمند به مواد اولیه است، نیازمند به آنست که مواد اولیه خود را به حداقل قیمت بخرد تا بتواند سود را اضافه کند. به همین دلیل می بینیم اقتصاد سرمایه داری ناچار است از سرزهای خود گذشته، بسایر سرزمینها برود در آنجا منابع ارزانتری پیدا کند تا با تولید ارزانتر بتواند سود خود را بالا برد. در اینکه این منابع به چه صورتی بدست بیاید برای اقتصاد سرمایه داری اهمیت ندارد، باید بدست بیاید ولو اینکه با حمایت از شاه باشد.

**امپریالسیم از سنت ها می هراسد**

آنچه که تولید میکنند باید تولید شود، چه بر سر نسل آینده می آید مربوط به آنها نیست. یک چهل جمعیت دنیا یک پنجم غذای آن را مصرف میکنند، مقدار انرژی که در این اقتصاد مصرف میشود ولو اینکه منابع انرژی دنیا را تمام بکند مانعی ندارد این اقتصاد در صدد است تولید بالا برود حالا اگر دریاها آلوده میشود مانعی ندارد، اگر تعداد مسمومین در اثر آلودگی هوا بالا می رود مانعی ندارد، اگر هوا به درجه ای میرسد که قابل تنفس و استنشاق نیست باز هم مانعی ندارد ممکن است در اینجا سوال کنید، پس این مقرراتی که برای رفع آلودگی بوجود آمده در کجا بوجود آمده؟ این قسمت، قسمت دیگر قضیه است. یعنی آن گروهی که در

سرمایه داری را در یک کلمه خلاصه کنیم و محور اقتصاد سرمایه داری را بیابیم تنها کلمه ای که میتواند بین این اقتصاد باشد کلمه «سود» است. سود تعیین کننده مسیر اقتصاد سرمایه داری، بوجود آورنده استراتژیهای مختلف و بطور کلی عامل هدایت کننده اقتصاد سرمایه داری است.

اگر به کتابهایی که جامعه سرمایه داری در باره مدیریت نوشته و دانش مدیریت را به سرحد امروز خود رسانیده نگاه کنیم کمی ممکن است دچار اشتباه شویم این کتابها تا اندازه زیادی در باره راضی ساختن کارکنان، بدست آوردن دل آنها و ایجاد وسایل آسایش برای آنها توجه دارد و در لفافه کلمات زبینه سعی دارد بگوید منظور ما از مدیریت اینست که انسانها را راضی نگاه داریم و کارکنان را به آسایش نزدیک کنیم ولی در لابلای این کلمات فرینده هیچ کس نمیتواند غافل شود که اقتصاد سرمایه داری انسانها را بخاطر بردن سود بیشتر میخواهد و اگر بکارگری خانه میدهد و اگر تأمین اجتماعی کارگران را فراهم میکند برای آنست که اعتصابات هزینه های سنگینی بر صنایع تحمیل می کند و از طرف دیگر تربیت افراد جدید برای انجام کارهای خاص فوق العاده گران است.

جهت انسانی در مدیریت فوق العاده ضعیف و فوق العاده فرینده است. ولی در عین حال، اقتصاد سرمایه داری از کلیه وسایلی که ممکن است نظرات انسانها و همکاریشان را به خود جلب کند استفاده میکند. از جامعه شناسی، از روانشناسی، از هرگونه دانشی که ممکن است تولید و مصرف را بالا برد استفاده میکند و پشت سر تمام این حیلها یک چیز بیشتر نیست. آنهم «سود» است. اقتصاد سرمایه داری برای تأمین سود به هرکاری دست میزند و اخلاقی که ایجاد میکند در چهار چوب تأمین سود است. بسیاری از اوقات با این سوال روبرو می شویم که چگونه است در جوامع سرمایه داری پیشرفته اعتبارات، قولها و تعهدات تا این اندازه رعایت میشود ولی در جوامعی چون جوامع ما، که ادعای مسلمانی داریم با اینکه دستور صریح قرآن که صفت مشخص مؤمنان است «والذین هم لا مانا تهم و عهدهم راعون» کسانی هستند که به امانتها و پیمانهای خودشان وفادارند و رعایت امانت و عهد را میکنند، چگونه است ما که ادعای مسلمانی داریم آن را رعایت نمی کنیم، ولی در اقتصاد سرمایه داری تا این اندازه مراعات عهد میشود و تعهدها تا این اندازه رعایت میگردد،

اقتصاد سرمایه‌داری با تمام قوا می‌کوشد وضع حاضر را نگاه دارد و هر عاملی که بخواهد وضع را عوض کند با او مبارزه میکند، مگر اینکه اطمینان داشته باشد آنچه که اتفاق می‌افتد ممکن است وضعیتش را بهتر کند. مثل بعضی از جنگ‌ها. کنگره آمریکا سال‌ها با جنگ ویتنام موافق بود؛ کنگره تا آن جا موافق جنگ ویتنام بود که روزی چهل میلیون قوطی کوکا‌کولا برای ۵۰۰ هزار سرباز آمریکایی به ویتنام فرستاده می‌شد.

دیگر می‌زنند چرا وقتی می‌بینند ملنی به آداب و سنن آنها پشت کرده و به فرهنگ اصیل خود روی آورده، فریادی کشند؟ چون در اینجا یکپارچگی بازار از بین می‌رود، در اینجا اقتصاد آنها دچار اشکال می‌شود، مردم باید همه مصرف‌کننده باشند برای اینکه مصرف‌کنندگان یکسان باشند باید آنها مثل هم فکر کنند، باید سلیقه یهودی نیویورکی با سلیقه مسلمان یزدی هردویکرتنگ و در یک سطح قرار بگیرد تا هر دو بتوانند آنچه در فلان کارخانه تولید می‌شود مصرف کنند. برای این منظور اولین قدمی که برداشته می‌شود فرهنگ زدائی است سعی می‌کنند فرهنگ گذشته را از بین ببرند، اعتقادات پیشین را سست کنند. انسان‌ها از فرهنگ خود سیرافکنده باشند. وقتی می‌گویند مسلمان هستی، بگویند بله، من در یک خانه مسلمان دنیا آدمم. اگر در ترکیه متولد شده و می‌رود در اروپا بگویند بله من اروپائی هستم. اگر اسمش محمد است وقتی می‌رود آمریکا آئی اسمش را تبدیل به «سو» میکند. چرا که از فرهنگ خودش ننگ دارد.

کم کم سعی می‌کنند این فرهنگ را پنهان بکنند که نتیجتاً فرهنگ جدید جایگزین آن می‌شود. سلیقه‌ها برمیگردد این اقتصاد سعی می‌کند بر آن حاکم بشود حال بینیم از چه راههائی استفاده می‌کند و از کجا شروع می‌کند.

#### ایجاد نیاز کاذب

باید در انسانها ایجاد نیاز کرد، در بازاریابی که یکی از وسایل این اقتصاد است اصلاً دستور می‌دهد که چگونه بازار را ایجاد بکنند، بازار وجود ندارد ولی ایجاد کنید. یک‌ساده‌ایکه در بازارهای آمریکا تهیه شده بود برای شوره سر بود که موفق نشده بودند که آنرا بفروشند. دادند به یک مؤسسه بازاریابی و این مؤسسه بازاریابی در ضمن تحقیقاتی که کرد اعلام نظر کرد که این ماده برای کشتن میکرب دهان هم خوبست و شروع کرد به نقشه ریختن... . والان این ماده یکی از بهترین دهان‌شوره‌های آمریکاست در صورتیکه قبلاً این را برای شوره سر تهیه کرده بودند و با تبلیغات وسیعی که انجام دادند این کار را کردند و شاید تعداد زیادی از مردم آمریکا و بسیاری از مردم مادر اینجا احساس می‌کنند که به این ماده نیاز دارند، ایجاد نیاز از راه تبلیغات. برای اینکه سلیقه‌ها را هم عوض بکنند از فن آمارگیری استفاده می‌کنند، مرتب آمار می‌گیرند و تبلیغاتشان را متناسب با آن آمار تنظیم می‌کنند.

مقابل این اقتصاد قرار گرفته است و گروه هم دارای جهت و دارای فشار است که بر هیئت‌های حاکمه وارد میکند و در مقابل آنها ایستادگی میکند، بعد از ۲۰ سال زندگی در آمریکا، من هیچگاه صنعتی ندیدم که در بوجود آوردن وسایلی که محیط زیست را بهتر کند پیشقدم شود. همیشه قدرتهای دیگری در مقابل آنها قرار گرفته‌اند و تمکین اقتصادی سرمایه‌داری از آن قدرتها بدیالی دیگر است بعد از این ذکر خواهیم کرد تولید باید بالا برود با اینکه اقتصاد سرمایه‌داری بر پایه تجارت آزاد قرار گرفته ولی نهایتاً اقتصاد سرمایه‌داری انحصارات بزرگ دنیا را در دست دارد. لطفاً توجه بفرمائید سالهای گذشته بزرگترین دردمسرا این بود که صنایع سنگین را به کشورمان وارد کنیم. آنها تیکه خاطرشان است قبل از ۱۳۲۰ مقدمات ذوب آهن آنهم در نزدیکی کرج فراهم شده بود ولی اقتصاد سرمایه‌داری در آن زمان معتقد بود با در دست داشتن کلیه صنایع سنگین میتواند در مقابل ملل ضعیف ایستادگی کرده و از منابع آنها استفاده کند و آنها را از پای در آورد حاضر نبود صنایع سنگین را در اختیار ما بگذارد ولی سرانجام با تغییر وضع اقتصادی جهان، اقتصاد سرمایه‌داری حاضر می‌شود در مورد صنایع سنگین تخفیف دهد. ولی وضع دنیا عوض شده، اینک تکنولوژی پیشرفته از انحصارات این اقتصاد است. تکنولوژی پیشرفته را در اختیار هر کس قرار نمی‌دهند، با در دست داشتن این انحصارات، اقتصاد سرمایه‌داری سعی می‌کند وضع اقتصادی دنیا را کنترل کند. آنچه تولید می‌شود تحت کنترل خود قرار بدهد بنابراین از طریق تولید، سود خود را به حداکثر برساند.

۲. در جهت مصرف قسمت دیگر اقتصاد سرمایه‌داری که سودش را بالا میبرد مصرف است و اینجا جایی است که بزرگترین خیانتها به اشد، به جامعه انسانی می‌شود. اقتصاد سرمایه‌داری در مرحله تولید با عوامل انسانی محدودی سروکار داشت و تنها با کارگران روبرو بود، ولی در اینجا با تمام جامعه بشری روبروست اینجاست که اقتصاد سرمایه‌داری ناچار است دنیا را تبدیل به یک بازار بزرگ بکند و خریداران یک رای و یک فکر و یک سلیقه‌ای در دنیا به بار بیاورد بنابراین اقتصاد در صدد برمی‌آید آنجا که انسانها را با سلیقه خود نمی‌یابد آنها را عوض کند، آنها را به صورتی که باید، در بیاورد. در اینجا است که روشن می‌شود چرا این اقتصاد از بازگشت مابیه سنن اسلامی‌مان تا این اندازه نگران است. آنها که دم از آزادی فکر، آزادی سخن، آزادی لباس و هر آزادی

آن‌ها که دم از آزادی فکر، آزادی سخن، آزادی لباس و هر آزادی دیگر می‌زنند، چرا وقتی می‌بینند ملتی به آداب و سنن آن‌ها پشت کرده و به فرهنگ اصیل خود روی آورده فریاد می‌کشند؟ چون در این جا یکپارچگی بازار از بین می‌رود و اقتصادشان دچار وقفه می‌شود.

رسانه‌های عمومی را در اختیار داشته باشند.  
در اقتصاد ما حتماً در آنوقتی که رسانه‌های عمومی به این صورت نبوده آگهی‌ها را در نیمساعت جمع می‌کردند مثل اروپا. اما در آمریکا اینطور نیست برنامه‌ای را که می‌خواهید تماشا کنید بلافاصله قطع می‌شود اگر یک فیلم نشان می‌دهند یکریج یکمرتبه باید مقداری از آگهی به خوردتان بدهند، چاره‌ای نیست حالا از قهوه گرفته تا دستمال کاغذی هرچه که بتوانید تصور بکنید سببوزید تحمل کنید زیرا می‌خواهند آن‌ها را به شما بفروشند.

### آموزش و تبلیغات در انحصار صهیونیست‌ها

اگر شما برنامه صهیونیم را بخوانید که حدود ۹۰ سال قبل نوشته شده صهیونیزم اصرار دارد این قسمت‌ها را تحت کنترل در آورد.

۱. آموزش و پرورش را حتماً تحت کنترل بگیرد و همین دلیل است که بیشتر استادان دانشگاه‌های آمریکا را دارد، و بیشتر دانشگاه‌های آمریکا تحت نفوذ استادان یهودی است.

۲. رسانه‌های عمومی کاملاً در اختیار آنهاست. سه تاشبکه سرتاسری آمریکا در اختیار آنهاست، شبکه‌های محلی همه در اختیارشان است، روزنامه‌ها از نیویورک تا میزگرته تا واشنگتن پست، یک به یک را وقتی حساب کنید در اختیار آن‌هاست.

انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا یک جزوه‌ای منتشر کرد و جرات نکرد اسمش را روی آن بگذارد، تحت عنوان «فرماندار رسانه‌های گروهی کیست؟» و در آن شروع کرد بنوشتن که این شبکه مال کیست، اسمش این است و یهودی است یک به یک اینها را نوشت ...

\* \* \*

اقتصاد سرمایه‌داری بدین ترتیب طرز تفکرات مختلف را از بین می‌برد و نتیجتاً مصرف را یکنواخت می‌کند. درد و جهت اقتصاد سرمایه‌داری سعی می‌کند ربا را توسعه بدهد. در اینجا باید عرض کنم مسأله رباخواری و مسأله اینکه الان ما با آن روبرو هستیم یک مسأله تازه‌ای نیست. اسلام بمعنای اعم کلمه اعم از مسجیت و مذهب یهود همیشه ربا را حرام میدانسته و اگر در تاریخ اقتصادی دنیانگاه کنیم می‌بینیم در مذهب کاتولیک همیشه ربا حرام بود تا وقتی که پروتستانیزم شروع می‌شود. تا آن زمان حتی بدست آوردن پول بیشتر مایه سرفرازی نبود و مردم به افرادی که پولدار بودند بنظر والا نگاه نمی‌کردند ولی با آمدن کالون کم کم این فکر پیش آمد کسی که پول بیشتری بدست می‌آورد نشان دهنده این است

دریک آناری که گرفته بودند دیدند بیشتر خانمهای خانه‌دار آمریکا آگهی‌های تبلیغاتی را بدون اینکه خودشان بدانند حفظ هستند.

باز در آناری که گرفته بودند مشخص شد که اینها بجائی رسیده‌اند که وقتی می‌روند به فروشگاه، بطور اتوماتیک بدون توجه و ناخودآگاه می‌روند سراغ آن جنس و هیچ نمی‌دانند چرا رفتند سراغ آن جنس، بسیاری از خریدهایی که در اقتصاد سرمایه‌داری می‌شود از روی نیاز نیست. از روی نیازهای کاذبی است که این اقتصاد بوجود آورده است.

برای خریدن پول لازم است از کجا بیاوریم؟ انسانی که نیازهایش بالا رفته اما درآمدش کفاف آن را نمیدهد باید برای او هم یک فکری کرد معروف است که وقتی «فورد» اولین مدلس را ساخت گفت من باید کاری بکنم که تمام کارگران فورد بتوانند این اتومبیل را بخرند و همین کار را هم کرد. چطو؟ بهترین راه برای اینکه به مصرف‌کننده بشود اینست که عمر افراد را بیش خرید بکنند.

عمر افراد را پیش خرید بکنند یعنی چه؟ یعنی کارت اعتباری در اقتصاد سرمایه‌داری وقتی یک نفر کیفش را درمی‌آورد از افتخاراتش اینست که... تا کارت اعتباری یکی بعد از دیگری از کارت اعتبار خرید بنزین و خرید از فروشگاه‌های بزرگ گرفته تا فرضی که از بانک می‌تواند بگیرد همراه دارد. تمام این بابها برای اینست که گفته شده خوب بله مردم مثلاً خانه دار هستند، ولی خانه‌دار واقعاً بانک است.

می‌تواند ماشین بخرد، بله به او قرض میدهند، همه چیز را به او میدهند ولی با پیش فروش عمر. یعنی وقتی انسان می‌خواهد آخر سال حساب بکند می‌بیند بطور معدل مقدار زیادی از در آمدش را به این اقتصاد سرمایه‌داری داده و چیزی هم در دستش نیست.

انسانها را عوض می‌کنند، نیازها را عوض می‌کنند و بعداً این انسانها را پیش خرید می‌کنند تا بتوانند هر طور که بخواهند به آنها بفروشند. بنابراین عواملی که باید در اختیار اقتصاد سرمایه‌داری قرار بگیرد تا موفق بشود، از جمله این عوامل آموزش و پرورش است.

بدون اینکه توجه داشته باشیم آنها آموزش و پرورش را زیر نظر می‌گیرند تا بدانند چطور باید مردم را به آن راهی که می‌خواهند راهنمایی بکنند. هم آموزش به آنها بدهند و هم عملاً در یک محیطی آنها را قرار بدهند که از آنجا بتوانند منحرف بشوند. باید

اقتصاد سرمایه‌داری در مرحله تولید با عوامل انسانی محدودی سرو کار

**\* داشت و تنها با کارگران روبرو بود، ولی در این جا با تمام جامعه بشری روبرو است. این جا است که اقتصاد سرمایه‌داری ناچار است دنیا را بندهیل به یک بازار بزرگ کند و خریداران یک رای و یک سلیقه‌ای در دنیا به بار بیاورد.**

دچار اشکال سازد بلافاصله جلوی این ایستادگی میکند بنا بر این خوب می‌توانید درک کنید چرا در کنگره آمریکا سالها با جنگ ویتنام موافقت می‌شود ولی کم کم این موافقت تبدیل می‌شود به بی‌تفاوتی و سرانجام به مخالفت، تا آنجا که موافقت می‌شود آنجائست که اگر پادم باشد روزی چهل میلیون قوطی کولا میرفت برای ویتنام. پانصد هزار سرباز آمریکائی آنجا بودند. کارخانه‌ها بسرعت داشتند تولید می‌کردند.

«ومن اوفی بعدده من الله فاستبشروا ببعکم الذی بايعتم به و ذالک هو الفوز العظيم».

خدا با مؤمنین یک معامله کرده، این معامله روی دو چیز بود یکی روی اموالشان بود و یکی روی انفسشان بود، جانهایشان بود. این مؤمنین چکار میکنند؟ در راه خدا. جهاد میکنند «فیقتلون ویقتلون» هم کشته می‌دهند و هم کشته می‌شوند، دوطرفه در مقابل این معامله خدا بهشت را چه در دنیا و چه در آخرت به آنها می‌دهد. جامعه توحیدی خودش بهشت است، آن مدینه فاضله‌ایکه می‌گویند، آن بهشتی است که در این دنیا می‌دهند و بهشت دیگریست که دردنیای دیگر با خواهند داد. خدا این وعده را با داده «ومن اوفی بعدده من الله» چه کسی بهتر از خدا به عهد خودش وفا میکند و بعداً می‌گوید «فاستبشروا» بشما بشارت می‌دهم این معامله‌ایکه کردید این معامله اقتصادی که شما کردید «فاستبشروا ببعکم الذی بايعتم» به شما مژده می‌دهم بشارت می‌دهم به این معامله‌ایکه کردید نگذاریم ارزشهایمان عوض بشود، نگذاریم فرهنگمان از بین برود و در معاملاتی که می‌کنیم آنها سود می‌جویند. قرآن هم در این باره با دستور داده «یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم فی تجاره تنجیکم من عذاب الیم». ای گروهندگان می‌خواهید من شمارا راهی نشان بدهم و یک تجارتی یک اقتصادی بشما نشان بدهم که از عذاب دردناک نجات پیدا بکنید؟ «تومنون بالله ورسوله» بخدا و پیغمبر او ایمان بیاورید و تجاهدون فی سبیل- الله و در راه خدا کوشش و جهاد بکنید باسوالتان. وقتی پای سود به میان می‌آید (توجه شدید وقتی که انقلاب پیش آمد یک ترافیک دوطرفه بین اینجا و غرب بوجود آمد. عده‌ای اینجا چمدانها را دست گرفتند و یا آنچه که در آن چمدانها تبدیل به پول کرده بودند، از اینطرف حرکت کردند. و یک عده‌ای هم از آنطرف شروع کردند به آمدن، اینها غالباً یا افرادی بودند که هیچ چیز نداشتند یا اگر هم چیزی داشتند آنجا ریختند و آمدند. افرادی بودند که داشتند نزد کتر ایشان را می‌نوشتند و رها کردند و آمدند. این معامله‌ای بود که اینها کردند).

که خدا نظر بخصوصی به او دارد و به این دلیل پول بیشتری به او داده و مورد توجه خداست. و در همین جاست که برای اولین بار رباخواری در مسیحیت شروع شد و ربا در این مذهب حلال شد نتیجه این شد که ربا از دو طرف شروع شود هم برای تولید قرض می‌کند و هم برای مصرف. ممکن است شما بگویید اگر برای دو طرف قرض می‌کنند اینکه ضرری به جائی نمی‌زند دوستانی که با حسابداری سرو کار دارند میدانند یک رقمی که مربوط به مخارج تولید است یا بصورت استهلاک، یا بصورت بهره، یا بهره دو صورت همیشه اینها را بالاخره محاسبه می‌کنند. بنابراین این ربا به سرمایه‌دار بهیچ جهتی لطمه نمی‌زند. این جزو قیمتش می‌شود. ولی کسی که می‌خواهد ماشین را بخرد کسی که می‌خواهد این لوازم را بخرد این بهره را هم اومی پردازد در حقیقت این ربا یک مرتبه در تولید از جیب خریداری رود چون قیمت بالا است، قیمت تمام شده آن مثلاً اگر صد تومان بوده، ده تومانش ربحی بوده که اسماً تولیدکننده به بانک پرداخته است و نود تومان بقیه اصل قیمت است حالاً هم که خریدار می‌خواهد آن را بخرد ده تومان دیگر رویش می‌کشند که در حقیقت خریدار عمرش را پیش فروش کرده است و در نتیجه برای جنسی که قیمتش نود تومان بوده خریدار صد و ده تومان پول داده است البته اگر انصاف در همین حدود باشد. ولی وقتی عملاً حساب می‌کنیم اجحف خیلی بیشتر از اینست.

اقتصاد سرمایه‌داری برای پیشرفت خودش احتیاج به نظم دارد و اگر ما خواسته باشیم مدیریت را در چهار مرحله خلاصه کنیم این چهار مرحله عبارت است از: برنامه‌ریزی، سازماندهی، پیاده کردن و کنترل. اقتصاد سرمایه‌داری برای همه این چهار مرحله احتیاج به نظم بی‌ظنیری دارد. باید اولاً پیش‌بینی کند. قبلاً عرض کردم پایه اقتصاد سرمایه‌داری روی آمار است آمار پایه‌اش روی پیش‌بینی است، پیش‌بینی مبتنی بر ادامه وضع حاضر است. ما وقتی بخواهیم پیش‌بینی بکنیم باید شرایط را به یک وضعی ثابت نگاهداریم تا بتوانیم پیش‌بینی بکنیم. بنابراین اقتصاد سرمایه‌داری با تمام قوا می‌کوشد وضع حاضر را نگاه دارد و نگذازد عوض بشود. و هر عاملی که بخواهد این وضع حاضر را عوض کند با او مبارزه می‌کند مگر اینکه اطمینان داشته باشد آنچه که اتفاق می‌افتد، ممکن است وضعش را بهتر بکند، مثل بعضی از جنگ‌ها. سرمایه‌دار این جنگها را تا آن زمان دنبال می‌کند که وضع مصرف بالا برود ولی به محض اینکه ببیند ممکن است این جنگها او را

نلسون را کفلر پیشنهاد کرد آمریکا تا آخرین لحظه پشت شاه ایستادگی کند ولی وقتی که جلو رفتند متوجه شدند که امکان پذیر نیست. شاه به عنوان مدافع اقتصاد سرمایه‌داری اهمیت داشت و وقتی کار افزاری خود را از دست داد گفتند برود مهم نیست. اما قدم بعدی چنین طراحی شد که باید کاری شود تا جای پای شاهان دیگری به وجود بیاید. باید نشان داد که جنبش نمیتواند روی پای خود دوام پیدا کند.

\*

\*

«تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون فی سبیل الله» و در راه خدا، الهها، «با سوالکم و انفسکم» با مالتان جهاد میکنید و هم بانفسهای خودتان جهاد کنید.

اهمیت ندارد چه کسی از بین برود چه کسی نابود شده مهم نیست. در این مورد بخصوص تشخیص میدهند که این اقتصاد در خطر است ولی وقتی که یک مقداری جلو رفتند متوجه شدند که دیگر نمیشود، نگهداشتن شاه برای آنها اهمیت ندارد. اقتصاد سرمایه‌داری است که اهمیت دارد نه شاه. شاه بعنوان مدافع از این اقتصاد باارزش است اینها به هیچ وجه نوکر بادمجان نیستند اینها نوکر شاه نیستند نوکر اقتصاد هستند. به این دلیل میگویند وقت مهم نیست قدم بعدی ما چیست؟ قدم بعدی ما اینست که اگر شاه رفت باید این جنبش در مقابل اقتصاد سرمایه‌داری ضعیف بشود. باید از دورن شروع کنیم باید کاری بکنیم که جای پای شاه‌های دیگر بوجود بیاید باید شان بدهیم که این جنبش نمیتواند دوام پیدا کند. نمی‌تواند روی پای خودش بایستد و این راهیست که الان دارند ادامه میدهند شایعات، تحریکات، روبروشدن با جنبش، نشان دادن اینکه این جنبش نمیتواند موفق بشود، اگر مثلاً نیم میلیون بیکار هست نشان بدهیم دو میلیون ونیم بیکار است اگر یک کارخانه بسته است نشان بدهیم همه کارخانه‌ها بسته‌اند. مگر غیر از این بود که مثلاً اگر یک نفر چند گرم هروئین داشت تیربارانش میکردند اما هیچکس آن دادگاه‌ها را ندید. چطور صدای کسی بلند نشد؟ چطور الان راجع به دادگاه‌های ایران هی‌سنای آمریکا قطعنامه میدهد به اتفاق آراء؟ و یکمرتبه ناله انسانهای تمام دنیای سرمایه‌داری بلند میشود. ولی دیروز وقتی برادران و خواهران ما راسی کشتند، اگر می‌گویند ما خبر نداشتیم دروغ می‌گویند، همه میدانیم ساواک و سیا با هم کار میکردند و بعلاو ما که آنجا سروصدایش را بلند میکردیم، هم یک نفر که کشته میشد زندگی‌نامه‌اش را در آنجا منتشر میکردیم به منابع بین‌المللی خبر میدادیم، به مجامع عفو بین‌المللی خبر میدادیم، به حقوق بشر خبر میدادیم، مرتب خبر میدادیم در بسیاری از این موارد نامه جدا به کلیه افراد کنگره آمریکا نوشته میشد. ولی هیچکس جواب نمیداد. چطور شد چطور الان اینها آنقدر انسان دوست شدند الان چرا بفکر افتادند برای اینکه این جنبش برخلاف اقتصاد سرمایه‌داری در حرکت است.

\*\*\*

از نطق آقای رضا صدر وزیر بازرگانی در زمینه افشای

مهاست های جامعه سرمایه‌داری آمریکا

مأخذ: روزنامه مردم ایران - شماره ۲۹ - ۱۲ مهرماه ۱۳۵۸ ●

اگر بخواهم خلاصه بکنم اقتصاد سرمایه‌داری اقتصاد نیست که پایه آن براستثمار انسانهاست برتکثیر، برزراندوزی، برسر سرمایه اندوزیست و این اقتصاد همه آنها را بیک صورت که میخواهد درمیآورد و در مقابلشان قرار میگیرد. جنبشهای آزادی خواهانه مثل جنبش ما، برای مقابله با این اقتصاد چاره‌ای جز اینکه به ارزشهای فرهنگی خودش برگردد، ندارد. اگر در این مسیر قرار گرفت این اقتصاد را سرنگون میکند آن سوره تکثیر را خوانده‌اید «الهمم تکثیر» آخرین آیه‌ایکه در این سوره هست میگوید که «ثم واتسلون یؤمئذ عن النعیم» آنهائیکه وضع ملت مستعضعف را بدین صورت در آوردند بزودی در باره این نعمتها مورد بازخواست قرار میگیرند. نه تنها توسط خدا بلکه توسط مردم اگر قبول نداریم در بعضی از این دادگاه‌ها حاضر بشویم و به بینیم متکثرین به چه صورتی بودند و به چه صورتی رسیدند.

بنابراین هیچکدام ناراضی نبودند ولی کم کم یک وقت متوجه شدند که ممکن است باشکست در آنجا، جاهای دیگر هم از دست برود و می‌بینید که داخل در کنگره آمریکا لحن برمیگردد عده‌ای از آن افرادی که از طرفداران سخت این جنگ بودند اول بی تفاوت می‌شوند و بعد مخالف. یک نمونه بهتر در همین زمان که جنگ ادامه دارد و عده‌ای دارند مخالفت میکنند جنگ خاورمیانه شروع میشود و جنگها هردو آزادبخش است طبیعت جنگ هردو مساویست. اینجا مردم قهرمان ویتنام آنجا مردم فلسطین. ولی اقتصاد سرمایه‌داری دو جهت مختلف میگیرد، میگوید در ویتنام جنگ را متوقف کنید ولی در خاورمیانه مقابل اعراب ایستادگی نکنند والا پایگاه این اقتصاد در خاورمیانه از دست میرود بنابراین دوستان ندارد مختلف میگیرد و دو موضع مختلف. و اینرا به چشم خودمان در سراسر آمریکا میتوانستیم ببینیم. این اقتصاد جنبشها را مورد به مورد بررسی میکند و با سودیکه ممکن است از جنبش ببرد اظهار نظر میکند اگر قرار است این جنبش پایه اقتصاد را متزلزل بکند مقابلش ایستادگی میکند. آقای نلسون را کفلر اصلا پیشنهاد میکند که تا آخرین لحظه پشت‌شاه ایستادگی نکنند برای اینکه می‌بینند رفتن شاه این اقتصاد را به خطر می‌اندازد